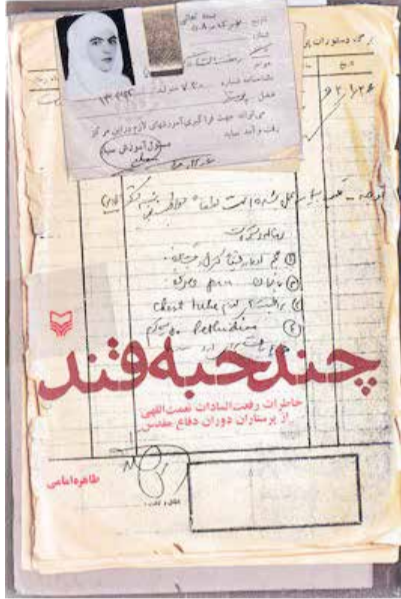


رئالیسم ادبی جنبشی علیه رمانتیسزم بود به این صورت که آنها زندگی را پرماجرا و اغراق آمیز نشان می دهند



روزمره‌های یک پرستار

از آکادمی پرستاری پهلوی
تا پرستاری در جنگ

مهدیه جاهد
خبرنگار

«چند حبه قند» نوشته خانم طاهره امامی است که خاطرات خانم رفعت‌السادات نعمت‌اللهی از پرستاران دوران دفاع مقدس است.

ایشان در خاطراتش از لحظه ورود به آموزشگاه پرستاری در دوره پهلوی و چالش‌های ماندن در این شغل به دلیل اجبار عدم حجاب برای پرستاران می‌گوید. سپس از خاطراتش از دوران انقلاب می‌گوید و در نهایت عمده خاطراتش از زندگی را که با شغلش در هم تنیده و در دوران جنگ تحصیلی می‌گذرد روایت می‌کند.

در عین حالی که ادبیات پایبندی باید قسمتی از سهمیه کتابش را به خاطرات پرستاران دفاع مقدس اختصاص دهد، باید این موضوع را هم در نظر گرفت که این کتاب‌ها و این خاطرات حرفی هم برای گفتن داشته باشند. در واقع چون مخاطب این کتاب‌ها نسل جدید هستند باید طوری در آن به مسائل پرداخته شود که قابل درک و تأثیرگذار روی این نسل باشد.

«چند حبه قند» به‌رغم پتانسیلی که در خود داشت کتابی است خشک از خاطرات خطی راوی. زندگی روزمره و عادی از خاطرات کاملاً عادی یک پرستار است. خاطراتی که هیچ فراز و فرودی ندارد و اگر هم تأثیر نداشتند نتوانسته هیجان آن اتفاق‌ها را بخوبی منتقل کند، هیچ تلاشی برای قوت قلم نکرده و شاید نوشته شدن یا نشدن نشان چندان با هم فرقی نداشت. به نظر وقتی قرار است خاطراتی نوشته شود باید حداقل پیام اخلاقی برای نسل جدید داشته باشد. اما تنها چیزی که به آن در این دست کتاب‌ها توجه نمی‌شود نسل جدید است. نسل جدیدی که قرار نیست با سبک زندگی عجیب مردم در دهه‌های پنجاه و شصت اقناع شود و علت انتخاب‌های آدم‌ها در آن زمان برای نسل جدید نه تنها جذاب نیست بلکه شاید از سر احساسات و جبر زمانه تفسیر شود. در واقع چون مخاطب این کتاب‌ها نسل جدید هستند باید طوری در آن به مسائل پرداخته شود که قابل درک و تأثیرگذار روی این نسل باشد. مگر اینکه کماکان مخاطب این کتاب‌ها همسلمان و هم‌دوره‌ای‌های راویان باشند.

اینکه دائم و به هر طریقی یک سری اصول و رفتارها فقط تکرار شود باعث تأثیرگذاری نیست بلکه یک جایی مخاطب را خسته می‌کند. مخاطب کتاب «یک حبه قند» با بی‌اهمیت‌ترین روزمره‌های خانم پرستار دفاع مقدس روبه‌روست. خواندن این کتاب هیچ دستاوردی از فهم عمیق جنگ و نقش پرستاران در دفاع مقدس به مخاطب نمی‌دهد. شاید زندگی شخصی خود راوی کمی نظر را جلب کند اما همان هم چون تحت تأثیر انتخاب‌های شخصی و سلیقه‌ای اوست چندان نمی‌تواند الگوسازی مناسبی را در برداشته باشد که به خاطر آن کتابی چاپ شود.

درباره کتاب‌های ترجمه شده بازار

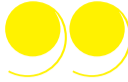
انواع مختلف ترجمه یک متن از دیدی دیگر

فاطمه منصوری نصرآباد

مترجم

همین چند وقت پیش بود که داشتم به یک نفر توضیح می‌دادم در ترجمه فعل‌های دووجهی یا کلمه‌هایی که چند معنی دارند باید خیلی وسواس به خرج داد تا خروجی ترجمه درست از آب دربیاید. متداول‌ترین فعل‌هایی که می‌توانم به آنها اشاره کنم run و drive یا واژه room است یا حتی go که همه با آن آشنایی دارید. در ترجمه این مدل واژه‌ها واقعاً نیاز نیست مترجم معنی دقیق آن را به فارسی ترجمه کند گاهی لازم می‌شود فقط مفهوم ماجرا را دریافت و بعد آن را جایگزین کلمه‌های دیگری کرد. کتاب «مرگ در جنگل» شروود آندرسون و دیگر نویسندگان به ترجمه صفر تقی‌زاده و محمدعلی صفریان را که می‌خواندم یکی از جمله‌هایش توجهم را جلب کرد. در بخشی از کتاب آمده بود «قدیم‌ها، قصاب‌ها، جگرها را به هرکه می‌خواستند می‌دادند. ما هم همیشه جگر داشتیم. روزی یکی از برادرهایم جگر درسته گاوی را از کشتارگاه نزدیک بازار گیر آورد، آنقدر از آن خوردیم که زده شدیم. یک پول سیاه هم نمی‌ارزید و هنوز حتی فکرش حالم را به هم می‌زند.» یا خودم

گفتم بعضی قسمت‌های این متن می‌توانست بهتر و روان‌تر ترجمه شود برای همین سراغ متن اصلی رفتم و دیدم بله! مثلاً بخش «ما هم همیشه جگر داشتیم» معادل انگلیسی‌اش «in our family we were always having it» است. فعل have از آن دسته فعل‌هایی است که چندین معنی دارد. اما در اینجا باتوجه به کلیات ماجرای داستان می‌توان هم معنای «داشتن» را برداشت کرد و هم معنای «خوردن». در چنین موردی فکر می‌کنم ترجمه‌های به‌صورت «ما هم همیشه جگر می‌خوردیم» روان‌تر و گویاتر باشد و به ماجرای اتفاق افتاده بیشتر نزدیک‌تر باشد. در بخش انتهایی این پاراگراف که مترجم به‌عنوان معادل «we sick of it» از «از آن زده شدیم» استفاده کرده به‌نظر من می‌شد به‌جای آن از کلمه «دلمان را زد» یا حتی معادل امروزی تری مثل «آن قدر خوردیم که داشتیم می‌ترکیدیم» استفاده شود. خلاصه، ماجرای این قسمت این بود که بخش‌های مختلفی وجود دارد که یک مترجم متن ادبی باید به آن توجه کند و انتخاب درست واژه معادل برای کلمه‌ها در زبان مقصد همان قدر اهمیت دارد که فهمیدن متن اصلی. هر متن می‌تواند به شیوه‌های مختلف و جمله‌های گوناگون ترجمه شود اینکه ما به‌عنوان مترجم کدام جمله را به کار ببریم یا چه کلمه‌ای انتخاب کنیم بستگی به عوامل مختلفی مثل سلیقه، جو فرهنگی و ... دارد.



قسمت پنجم

سفر به جهان شعر و قصه‌ها همراه با مکتب‌های ادبی سفری به دوره رئالیست‌ها و معرفی چهار رمان معروف در این مکتب

ریحانه میرحسینی
کارشناس ارشد ادبیات

در این قسمت با یکی دیگر از مکتب‌های بزرگ ادبی آشنا می‌شوید. رئالیسم مکتبی است که نویسندگان بسیاری به آن علاقه نشان داده و آثار فراوانی را نوشته‌اند. در اینجا شما ابتدا با این مکتب آشنا شده و بعد به چهار رمان معروف رئالیستی اشاره‌ای خواهیم داشت.



معمولی است. ماجرا در دو روستای کوچک در فرانسه رخ می‌دهد و قهرمانان آن آدم‌های طبیعی و عادی هستند. داستان کم‌وبیش ساده است و هیچ چیز خیالی در آن دیده نمی‌شود. فلور بر داستان را کاملاً عینی روایت می‌کند و تصویر واقعی از رویدادها، شخصیت‌ها و گفت‌وگوها به نمایش می‌گذارد. **یادداشت‌های زیرزمینی و داستایفسکی**

داستان‌های او را با استدلال‌های قوی و شخصیت‌های منحصر به فردی که در عین سادگی خلق می‌کند می‌شناسید. در داستان‌های او هیچ چیز غیرممکنی رخ نمی‌دهد و همه ماجراها در فضایی خاص اتفاق می‌افتد. یادداشت‌های زیرزمینی در سال ۱۸۶۴ نوشته شد و مقدمه‌ای برای خلق رمان‌های بزرگ دیگری مثل جنایت و مکافات، ابله و برادران کارامازوف است. این رمان در زمان خودش به دلیل اینکه درست فهمیده و درک نشد فروش خوبی نداشت ولی پس از گذشت چندین سال به شهرت بالایی دست یافت. یادداشت‌های زیرزمینی به دو قسمت تقسیم می‌شود که بخش اول زیرزمین نامیده شده و اعتراضات مردی است که به ما می‌گوید آدمی بد ذات است و دوست دارد شبیه یک موش زندگی کند و بخش دوم درباره روابط بین این مرد با زنی به اسم لیزا است.

رئالیسم چیست؟ حرف حسابان چه بود؟ وظیفه نویسنده پرداختن به چیزی است که به آن عینیت و واقعیت می‌گویند، حرف اصلی رئالیست‌ها همین است! رئالیست‌ها به جهان و پدیده‌ها به دقت نگاه می‌کردند و آنچه را در محیط پیرامونشان بود روایت می‌کردند. رئالیسم عصر اوج رمان نویسی و پستی شعر است و آنها معتقد بودند که واقعیتی که در رمانتیسزم مطرح می‌شود سطحی و زودگذر است. این مکتب جنبشی علیه رمانتیسزم بود به این صورت که آنها زندگی را پرماجرا و اغراق آمیز نشان می‌دهند ولی رئالیست‌ها سعی می‌کردند زندگی را آن‌طور که واقعاً هست با تمامی زشتی‌ها و زیبایی‌ها به تصویر بکشند.

رئالیسم، اصول و قواعد
چون رمان نویسی در رئالیست‌ها بیشتر مورد استقبال واقع شد در نتیجه اصولی مثل استفاده از راوی سوم شخص، توجه به حوادث کوچک و برجسته کردن آنها، شرح دقیق جزئیات، واقعیت‌ها و استفاده از قهرمان‌هایی که از مردم کوچه و بازار هستند رواج پیدا کرد و افراد عادی شخصیت‌های اصلی داستان‌ها شدند. همچنین رئالیست‌ها معتقد بودند که موضوع اثر هرچیزی می‌تواند باشد و چه بسا اهمیت آن به مراتب از عشق بیشتر باشد که رمانتیک‌ها به آن می‌پرداختند.

آثاری از هنر رئالیسم



آثاری از هنر رئالیسم

بزرگان رئالیست را بشناسید!
رئالیسم مکتبی است که در بیشتر کشورهای جهان چه در گذشته و چه در زمان‌های جدید طرفداران بسیاری دارد. در انگلستان جین آستین، چارلز دیکنز و در آمریکا چک لندن را داریم که از آثار معروف او می‌توان به سید دندان و آوای وحش اشاره کرد که آغازگر رئالیسم انتقادی پرخاشگر است. رئالیسم در روسیه به سه بخش تقسیم می‌شود، رئالیسم نخستین یا تولستوی، رئالیسم انتقادی یا گورکی و رئالیسم سوسیالیستی یا شولوخوف که نویسنده دن آرام است.

تیپ‌سازی که رئالیست‌ها آن را به کار می‌برند یعنی چه؟

به زبان ساده تیپ‌سازی در رمان یعنی شخصیت‌های داستان علاوه بر ویژگی‌های فردی خود، می‌توانند نماینده یک گروه هم باشند مثلاً تیپ حاجی در حاجی آقای صادق هدایت علاوه بر اینکه ادا و اطوار خاص خودش را دارد نماینده خواست‌ها و عادت‌های طبقه‌ای است که به آن بستگی دارد. رئالیست‌هایی مانند بالزاک هم معتقد بودند که تیپ‌ها باید از گروه مردم اخذ و ساخته شود ولی بعدها در رمان نویسی جدید تیپ‌سازی مورد انتقاد واقع شد.

تأثیری که بالزاک بر رئالیست‌ها گذاشت!

آغازگر و پیشوای مسلم رئالیست‌ها، کسی که قصد تشکیل دادن هیچ مکتب و تئوری‌ای را نداشت ولی در آن زمان با نوشتن آثار خودش تحت عنوان کم‌دی انسانی در این راه قدم بزرگی برداشت بالزاک بود. او می‌دانست گفته‌های رمانتیک‌ها دیگر به کار نمی‌آید پس سعی کرد به جای تسلیم شدن در تخیل، اجتماع خودش را با همه زشتی‌ها و زیبایی‌هایش به تصویر بکشد و قهرمان‌هایش همه از طبقات مختلف جامعه باشند.